

اعلامیه ی جنبش بر آشفتهگان افغانستان که در راهپیمایی سوم دسامبر شهر بن پخش شد:

جنبش بر آشفتهگان افغانستان

ده سال از تجاوز "حقوق بشر" بر حقوق بشر در افغانستان میگذرد و ده سال از نجات افغانستان از چنگال خونین طالبان، سنگواره های جنایتباز قرن های دور، گذشته است. اما، طالبان هرگز از صحنه ی سیاسی این کشور به دور نبودند و در تمام مدت ده سال جنگ نه تنها مصروف ترور، جنگ، قاچاقبری، آدمکشی و جنایت بودند، بلکه پیوسته هم از طریق دولت پاکستان، دولت ایران، دولت کرزی و "طالبان متعادل" با نیرو های جهانی ضد ترور در پشت در های بسته و دور از انظار مردم افغانستان و جهان در معامله و داد و ستد سیاسی و دیپلوماتیک قرار داشتند.

اتحاد جهانی علیه ترور و در پیشا پیش آن امارات متحده ای امریکا نه تنها نیروی سیاسی و نظامی طالبان را در هم نشکستند و یا هم نخواستند درهم بشکنند، بلکه این لشکر جهال را به نیروی شکست ناپذیری مبدل کردند که از شنیدن نام شان پشت هر انسان متمدن به لرزه می افتد و امروز نه تنها حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان بلکه تمام منطقه را به خطر انداخته است. در کنار چشم پوشی از رشد سرسام آور قدرت طالبان امریکا نیروهای بنیادگرای جهادی و اسلاف طالبان را که به یقین اغلب با نابودی و مرگ قرین بودند دوباره حیات بخشیده و روی صحنه ای سیاسی فرا خواند و از این طریق آینده ای ملت ما را زیاده از آنکه پیش بینی میشد با خون و خطر مواجه کرد. همه عوامل بالا، دست در دست هم داده شرایطی را برای مردم بوجود آورده است که از سیاست خسته، از احزاب متنفر، از روشنفکر سر خورده و از بشریت متمدن فریب خورده، نا امید خود را به دست سرنوشت خود

سپاریده است. امید و روزنه ای برای بهروزی وجود ندارد. در یک سخن سربازان جامعه ای جهانی در این ده سال نه تنها درد و آلام مردم مان را آرام نکردند بلکه روزانه به شکل مستمر بر آن افزودند.

بعد از سقوط دولت طالبان هم زرع و تولید تریاک ادامه پیدا کرد و افزایش یافت. ستم و خشونت علیه زنان و اطفال رقم بی سابقه ای را نشان میدهد که بهترین مثال آن خود سوزی صد ها زن آزاده ای است که چاره ای دیگری برای زنده ماندن نمی بینند. آزادی بیان، با به زندان کشیدن جوانانی مانند میر حسین مهدوی، پرویز کام بخش، محقق نسب و صد ها جوان دیگر و با انداختن کتاب ها در آب و آتش، تصویر دیگر گونه ای از آزادی بیان را به جلوه گذاشت. دفاع از حقوق بشر با بمباردمان های محافل عروسی و شادکامی مردم آغاز و از معبر شکنجه گاه های بگرام، گوانتانامو و زندان های شخصی با ملیشای امریکایی به اوج خود سری و اجرات دلخواه در خارج از چوکات قانونی راه کشید.

امنیت و آرامشی را که مردم افغانستان با دلتنگی انتظار آنرا می کشیدند به افسانه ای نگفته ای مبدل ساخت که امنیت گورستانی طالبان بر آن درخشش دارد. در چنین شرایطی دولت کرزی، دولت امریکا و دیگر دولتهای شریک در ائتلاف ضد تروریستی میخواهند طالبان را در قدرت شریک سازند تا به جنگ و بی ثباتی اوضاع خاتمه دهند. اما در حقیقت امریکا بخاطر بحران اقتصادی که در شرایط کنونی با آن دست و پنجه نرم میکند میخواهد جنگی را که برایش سالانه یک صد و ده میلیارد دالر تمام میشود به حد اقل تقلیل دهد. بدین سان، به هر قیمتی است دولتی با اشتراک طالبان سرهمبندی نماید تا بتواند تا آخر سال دو هزار و چهارده ، سربازان خود را از افغانستان خارج سازد.

جنبش بر آشفتهگان افغانستان دولت طالبان یا شرکت طالبان را در دولت، بازی خطر ناک میداند که هم اکنون کشور های غربی به سرداری امریکا آن را روی دست دارند. تفکر طالبانی جوانان امروز و نسل فردای ما را به سیاه اندیشی و عقب ماندگی رهبری خواهد نمود که سدی است برای عدم شناخت و درک آزادی، عدالت، رفاه وامنیت. ما با این تفکر بی امان، مبارزه خواهیم کرد. جنبش بر آشفتهگان افغانستان در

حالیکه حضور سربازان خارجی را در کشور ما خیر مقدم نمی گوید، در برون رفت آنها یک فاجعه ای بزرگ بشری بر سر ملت افغانستان پیش بینی می کند. پس، پیش از آنکه سربازان خارجی افغانستان را ترک کنند، باید همه ی دست نشانده های طالبی و جهادی خود را خلع سلاح کنند. ما نه برای قدرت، علیه قدرت مبارزه میکنیم. زندگی دگر ممکن است، فقط آنرا باید ساخت.

جنبش بر آشفتهگان افغانستان